



تصاویری از تجمع ایرانیان در برلین، فرانکفورت و تورنتو

طنین غیرت در غربت!

گفت و گو با وطن دوستان خارج از کشور که در روزهای سخت، فاصله‌ها را از میان برداشتند و هم‌صدا با ملت تجاوز آمریکایی - صهیونی را محکوم کردند؛ درباره وطن، دلتنگی و درس‌های حمایت از ایران در خارج

شایان | در روزهای دشواری که خاک پاک میهن عزیزمان آماج تجاوز بی‌رحمانه رژیم صهیونیستی و آمریکا قرار گرفته، موجی از همبستگی و وطن‌دوستی در میان ایرانیان شکل گرفته است. در حالی که میلیون‌ها ایرانی در داخل کشور با حضوری حماسی در خیابان‌ها، صدای اقتدار خود را علیه متجاوزان به گوش جهانیان رسانده و از جرم میهن‌حمایت کردند، بسیاری از ایرانیان خارج از کشور هم با برگزاری تجمعات مختلف حضوری مؤثر و چشمگیر از خود نشان دادند و ثابت کردند که عرق و تعلق به وطن حتی با وجود دوری از سرزمین مادری کمرنگ نشده است. حضور این عزیزان در تجمعات خارج از کشور به این دلیل ارزش و اهمیت زیادی دارد که اولاً مخاطب انسانی و رسانه‌ای تجمع آن‌ها فراتر از مرزهای منطقه است و می‌تواند نگاه دنیا را به تجاوز علیه کشورمان جلب کند؛ ثانیاً گروه‌های سلطنت‌طلب خارج از کشور پرهیاهو هستند و رفتارشان به شکلی است که تهدید جدی برای حاضران در این نوع تجمعات محسوب می‌شود. به همین بهانه، با دو نفر از ایرانیانی که در این تجمعات حضور پررنگی داشتند گفت‌وگو کردیم تا دیدگاه‌ها و احساسات آن‌ها را درباره این رویدادها و این روزهای پرتلهاب جویا شویم.



اول باید ایرانی بماند که ما متعلق به آن باشیم

گفت‌وگو با پزشکی ساکن برلین آلمان درباره حضور در تجمعات ضد جنگ، تقابل با جریان‌های ضد ایرانی در اروپا و ضرورت حفظ تمامیت ارضی فارغ از اختلافات داخلی

خانم «م.ب.»، راجع به مسیر فعالیت‌های اجتماعی خود می‌گوید: «از سال ۱۴۰۲ که به آلمان آمدم، به طور مرتب در تجمعات مربوط به غزه و فلسطین شرکت می‌کردیم. آن زمان اصلاً بحث جنگ ایران مطرح نبود. گروهی تقریباً صد نفره از بچه‌های مذهبی بودیم. جالب است بدانید چهار ماه بعد از ورود ما به آلمان، مرکز اسلامی را در این‌جا بستند؛ اما بچه‌ها ارتباطاتشان را حفظ کردند و ما مراسم‌ها را به خانه‌ها پیمان انتقال دادیم یا برای مناسبت‌هایی مثل محرم، مسجد ترک‌ها را اجاره می‌کردیم. این پیوندها آن قدر عمیق شد که حالا مثل یک خانواده هستیم و در غربت، کس و کار یکدیگر شده‌ایم. وقتی تهدیدات علیه ایران شروع شد و ما مجرای جنگ ۱۲ روزه پیش آمد، هم‌زمان در برلین راهپیمایی بسیار بزرگی به نام «یونایتد فور غزه» با حضور حدود ۶۰ هزار نفر برگزار شد. چون دوستان فلسطینی و عرب از قبل روی ما شناخت داشتند، با ما همراهی کردند و اجازه دادند با پرچم ایران و عکس شهیدایمان در این تجمع شرکت کنیم. آن‌جا بود که برای اولین بار احساس کردیم در برابر هجمه‌های موجود تنها نیستیم و دشمن مشترکی داریم.»



● برلین؛ شهری که دفاع از ایران در آن هزینه دارد

این پزشک ایرانی با اشاره به فضای مسموم ایجاد شده توسط جریان‌های معاند می‌گوید: «برلین شهر خاصی است؛ به دلیل حضور تعداد زیادی از پناهنده‌ها، سلطنت‌طلب‌ها و جریان‌های مختلف اپوزیسیون، شرکت در جمعاتی که نام «ایران» در آن مطرح است، مفهوم خاصی پیدا می‌کند. شما با این کار، عملاً خود را در مقابل

افرادی قرار می‌دهید که از هیچ اقدامی برای ضربه زدن به شما کوتاهی نمی‌کنند. این جا حاشیه امنی وجود ندارد. به عنوان مثال، در زمان شرکت در انتخابات ایران پس از شهادت آقای رئیسی، عده‌ای جلوی سفارت تجمع می‌کردند، فحاشی می‌کردند و از کسانی که برای رای دادن می‌آمدند عکس می‌گرفتند و با جست و جوی عکس‌ها در گوگل، محل کار افراد را پیدا می‌کردند و به محل کار یا شرکت ما ایمیل می‌زدند که این شخص طرفدار باید اخراج شود. با وجود تمام این فشارها، این کمترین و تنها کاری است که از دست ما برمی‌آید. البته در همین مدت، بچه‌ها چندین هزار یورو کمک‌های مردمی جمع‌آوری کردند و برای حمایت از رزمندگان و پراپایی موب‌ک‌ها به ایران فرستادند.»



● انزوی اپوزیسیون در غرب!

یکی از نکات کلیدی در تحلیل این بانوی ایرانی مقیم آلمان، انزوی جریان‌های معاند در میان آزادی‌خواهان جهان است و در این باره می‌گوید: «نکته قابل توجهی که باید به آن اشاره کنم این است که در مقابل تجمعات ما برای فلسطین و ایران، همیشه عده‌ای از طرفداران اسرائیل هم مجوز می‌گرفتند و تجمع می‌کردند. پیش از این اتفاقات اخیر، سلطنت‌طلب‌ها با پرچم شیر و خورشید می‌رفتند و لایه‌لای اسرائیلی‌ها می‌ایستادند. این هم‌پیمانی باعث شد که آن‌ها یک باخت از پیش تعیین شده داشته باشند؛ چرا که افکار عمومی و حتی عرب‌های کمونیست هم حاضر نمی‌شدند با آن‌ها دست بدهند.»

● اول باید ایران بماند

این پزشک ایرانی بانگاهی واقع‌بینانه به تفاوت حس غربت و وطن و مسائل داخلی می‌گوید: «دوری از میدان جنگ، روان انسان را بیشتر آزار می‌دهد. دوستانی که در زمان جنگ ۱۲ روزه به دلیل لغو پروازها در ایران گیر افتاده بودند، می‌گفتند وقتی در داخل ایران هستی استرس کمتری داری تا وقتی که هزاران کیلومتر دورتر فقط اخبار را دنبال می‌کنی. اما درباره ضرورت حفظ تمامیت ارضی، این یک مسئله کاملاً بدیهی است. اول باید ایرانی بماند که ما متعلق به آن باشیم. حتی اگر ما جزو آن دسته از آدم‌هایی باشیم که انتقادات شدیدی به حاکمیت داریم، باز هم همه ما باید یک فصل مشترک به نام ایران داشته باشیم. اگر کشوری نباشد، بحث بر سر نوع حکومت معنایی ندارد.»

● بایکوت رسانه‌های غربی‌ها!

این پزشک ساکن برلین درباره رسانه‌های غربی می‌گوید: «رسانه‌های غربی بر خلاف پوشش گسترده‌ای که از اتفاقات دی‌ماه داشتند، درباره تجمعات ضد جنگ و حمایت از ایران ورود خاصی نمی‌کنند و اخبار را بسیار کوتاه پوشش می‌دهند. باین حال ما در راهپیمایی روز قدس امسال با قدرت برای فلسطین و ایران به خیابان می‌آییم. پیام من به هم‌وطنانم در داخل کشور این است که ما به آن‌ها افتخار می‌کنیم؛ به کسانی که زیر سایه موشک‌ها به خیابان می‌روند تا امنیت شهر را حفظ کنند.»

به دولت کانادا فشار می‌آوریم از تجاوز حمایت نکند

گفت‌وگو با خانم غ.ب، ساکن کانادا درباره اضطراب دوری از ایران، تقابل با جریان‌های حامی جنگ و حیرت شهروندان کانادایی از رفتار برخی ایرانیان

خانم «غ.ب.» که در تورنتو کانادا زندگی می‌کند، معتقد است مسافت، هرگز نمی‌تواند پیوند خونی یک ایرانی با خاکش را سست کند: «وقتی کیلومترها دوری، حس وطن برایت تغییر می‌کند؛ انگار ایران واقعا پاره‌ای از تن و جانت می‌شود. با دیدن هر تصویر از آسیب دیدن گوشه‌ای از کشور، حس می‌کنم بخشی از وجود من است که دردی می‌کشد. این یک حس مشترک میان تمام ایرانیان اصیل است؛ به خصوص که همه ما عزیزی در آن خاک داریم و دل‌نگران تک‌تک آن‌ها هستیم. مسائلی مثل قطعی اینترنت و دور بودن از شرایط میدانی، وضعیت روحی و استرس ما را به شدت تشدید می‌کند. من شخصا حس عذاب وجدان بسیار بدی دارم که جز دعا کردن و این که در حد وسع خود مان صدای مردم کشورمان باشیم، کار دیگری از دست‌مان برنمی‌آید. به همین دلیل فکر کردم شرکت در این تجمعات، کمترین و کوچک‌ترین کاری است که در این لحظه حساس می‌توانم انجام دهم.»

● هراس وطن‌فروشان از فریاد «...اکبر» در تورنتو

برگزاری تجمع حمایت از ایران در تورنتو، با چالش‌های امنیتی عجیبی همراه است. این بانوی ایرانی از جو خفقانی که مخالفان ایجاد کرده‌اند روایت می‌کند: «راستش را بخواهید، تلاش‌های بسیار زیادی برای جلوگیری از برگزاری تجمعات ما انجام می‌شود. با انواع تهدیدها، برچسب زدن‌ها (مثل مزدور جمهوری اسلامی) و شناسایی افراد سعی می‌کنند این تجمعات را لغو کنند. عکس‌های کسانی را که در تجمعات ضد جنگ یاراهیمایی روز قدس شرکت کرده‌اند، پخش می‌کنند، به محل کار آن‌ها ایمیل می‌زنند تا افراد کارشان را از دست بدهند و به هر طریقی می‌خواهند این تجمعات شکل نگیرد. اما به لطف خدا مردم همراهی نمی‌کنند و ما همچنان پرشور شرکت خواهیم کرد. لحظه‌ای که عکس رهبر عزیزم را با افتخار بالا برده بودم و شعار «...اکبر می‌دام» در سمت دیگر گیت، عده‌ای وطن‌فروش را می‌دیدم که در حال رقص و توهین بودند. چطور یک انسان می‌تواند این قدر بی‌شرف باشد که وقتی هم‌وطنش زیر بمب و تهدید است، او به رقصی بپردازد؟ آن‌ها حتی تجمعات ضد جنگ را هم منتهم به تروریسم می‌کنند، چون حیات‌شان در ویرانی ایران است.»

ویرانی ایران است. ویرانی ایران است. ویرانی ایران است.



پرچم آمریکا را بالا می‌برند؟ اگر مشکلی دارند بروند همان‌جا اقامت بگیرند؛ چرا این جاسکونت دارند؟»

● وقتی بلاگرها و افراد غیر مذهبی هم پای کار «ایران، آمدند»

او با گلیایه از سکوت برخی چهره‌های مذهبی و بلاگرهای معروف مقیم تورنتو می‌گوید: «در این شرایط حساس، متأسفانه برخی از دوستان به ظاهر مذهبی که در تورنتو ساکن هستند و صفحات اینستاگرامی با فالوئر بالا دارند، ترجیح دادند سکوت کنند. حتی یکی از آن‌ها به من پیام داد که صفحه‌ات را ببند، چون ما از طریق فالوئرهای تو تهدید می‌شویم! آن‌ها حتی حاضر نیستند این صدای کوچک به گوش مردم برسد. اما در مقابل، دوستان دیگری بودند که از لحاظ ظاهری و حتی دیدگاه سیاسی با ما کاملاً متفاوت بودند، ولی در تجمعات پرشور شرکت کردند. چه بسا بلاگرهای معروفی که در تورنتو کلینیک دارند، تمام امنیت شغلی‌شان را زیر پا گذاشتند، فحش خوردند و تهدید شدند، اما برای دفاع از ایران آمدند. این حضور برای من بسیار ارزشمند و باعث افتخار بود.»

● مبارزه در سنگر شبکه‌های اجتماعی

این بانوی فعال در تورنتو، راه‌های مؤثر حمایت از وطن را چنین برمی‌شمارد: «شاید برخی فکر کنند فعالیت در فضای مجازی بی‌فایده است، اما آگاه کردن غیرفارسی‌زبان‌ها بسیار حیاتی است. ما در حال ارسال ایمیل‌های گسترده به نمایندگان محلی و پارلمان کانادا هستیم تا فشار بیاوریم که دولت کانادا نباید هیچ گونه حمایت مالی یا سیاسی از جنگ علیه ایران داشته باشد. این حرکت‌های مدنی و دیپلماتیک قطعاً تأثیرگذار است.»

